

یادداشت



مزایای بازگشت کارگاه‌های راکد به چرخه تولید

مرتضی برکاتی

کارشناس حوزه کار

بی‌تردید برنامه‌ریزی در راستای بازگشت کارگاه‌های تعطیل یا راکد به چرخه تولید و احیای کارخانه‌های نیمه‌تعطیل و بهره‌بردای از ظرفیت کامل این بسترهای تولیدی یکی از راهکارهای زودبازده و اثرگذار در رونق تولید و کسب‌وکار است.

به این واسطه، صرف هزینه کمتر در بازگرداندن کارگاه‌های راکد و نیمه‌راکد به ریل تولید نسبت به پروژه‌هایی که از ابتدا تعریف و اجرایی می‌شوند، بازدهی زود هنگام در راستای افزودن ظرفیت کارگاه به حجم تولید، احیای اشتغال کارگاه موردنظر و رونق تولید حاصل از بازگشت ظرفیت مغفول مانده به اقتصاد تولید کشور را باید بخشی از مزایای احیای کارخانه‌های راکد برشمرد.

در واقع فضای کسب‌وکار کشور، کارفرمایان و صاحبان صنایع راکد و کارگران بیکار شده کارگاه‌های تعطیل و نیمه‌تعطیل از خروجی سیاست‌ها و برنامه‌های مربوط به بازگشت کارخانه‌های راکد به ریل تولید و کسب‌وکار بهره‌مند می‌شوند. بازگشت به ظرفیت فراموش شده کارگاه‌های راکد، به دلیل کارکرد اثر بخشی چندوجهی در حوزه‌های تولید، اشتغال‌زایی، بهره‌وری، رونق کسب‌وکار، توسعه سطح رفاه، کاهش نرخ بیکاری، گسترش چتر بیمه‌های اجتماعی و ایجاد تغییر در شاخص‌های عمده بازار کار، باید مورد توجه متولیان حوزه کار و اشتغال قرار گیرد. در واقع تمرکز این حجم از ظرفیت مؤثر در بهبود فضای کسب‌وکار و رونق بخش حوزه کار و تولید، فرصتی است که تصمیم‌سازان تولید و اشتغال امکان استفاده از آن را دارند.

در کنار تأثیر پذیری شاخص‌های عمده بازار کار و اشتغال از روند بازگشت کارگاه‌های راکد به چرخه تولید، مؤلفه‌های اقتصاد خانوار و رفاه جامعه نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد. در واقع شکل‌گیری تحولات حوزه‌های مرتبط با فضای کسب‌وکار به تحقق سازوکارهایی جهت بازگشت ظرفیت‌های راکد اقتصادی به چرخه تولید، تأثیرات عمده‌ای در ارتقای مؤلفه‌های اقتصادی و رفاهی خواهد داشت. نهاد دولت به‌عنوان سیاست‌گذار حوزه کار و تولید، فعالان، سرمایه‌گذاران و تولیدگران بخش‌های دولتی، خصوصی و تعاونی، صندوق‌ها و سازمان‌های بیمه‌ای به‌ویژه سازمان تأمین اجتماعی در جایگاه اصلی‌ترین نهاد بیمه‌گر اجتماعی شاغلان حوزه کسب‌وکار کشور و همچنین نیروی کار، از بازگشت کارخانه‌ها و کارگاه‌های راکد به بخش تولید بهره‌مند می‌شوند. با توجه به صرف هزینه‌های هنگفت برای ارائه طرح توجیهی، برنامه‌ریزی و طی همه مراحل راه‌اندازی و توسعه فعالیت یک کارگاه تولیدی با هر نوع فعالیت اقتصادی و مولد و همچنین فرایند زمان‌بر اقدام و اجرایی کردن این موارد، در نقطه مقابل صرف هزینه و زمان کمتر برای احیا و بهره‌برداری از کارگاه‌های تعطیل و نیمه‌تعطیل، مزیت و فرصتی بی‌نظیر برای تولیدگران به‌شمار می‌رود. در شرایطی که در دهه‌های گذشته به‌منظور

خلق گسترده فرصت‌های شغلی فرصت‌سوزی شده و عدم تعادل عرضه و تقاضای نیروی کار در حوزه تولید رقم خورده است، تحقق هدف‌گذاری افزودن ظرفیت‌های راکد به چرخه تولید، علاوه بر کاهش زمان ایجاد فرصت‌های شغلی به‌ویژه برای دانش‌آموختگان دانشگاهی، موجب تعادل حضور نیروی کار در فضای مولد و رشد بهره‌وری می‌شود. نگاهی به داده‌های آماری حوزه اشتغال و بیکاری و ضرورت ایجاد فرصت‌های شغلی و چالش‌های مرتبط با اشتغال‌زایی و کاهش نرخ بیکاری، الزام تدوین سازوکارهایی جهت کاهش بیکاری به‌ویژه در بین فارغ‌التحصیلان را نشان می‌دهد. در این بین استفاده از ظرفیت نهفته در کارگاه‌های راکد و تلاش در برگشت آن‌ها به جمع تولیدگران، حل مشکلات مذکور را نوید می‌دهد. همواره انتظار ارتقای بهره‌وری نیروی کار و تولید از سوی اقتصاددانان، فعالان بخش تولید و سیاست‌گذاران مطرح می‌شود. به همین واسطه بخشی از این مهم با تأثیرگذاری بازگرداندن کارگاه‌های تعطیل و نیمه‌تعطیل به توان تولید کشور محقق می‌شود. به بیان دیگر، بخش‌های غیرفعال تولید از وضعیت رکود، افزایش گردش مالی تولیدگران، تحول در فضای کسب‌وکار، ارتقای توان رقابتی اقشار مولد و ایجاد یا توسعه فضای صادراتی محصولات از دیگر مزایای سیاست احیای تولیدی‌های راکد و بهره‌مندی از این ظرفیت در دسترس است.

احسان احمدی

روزنامه نگار

گزارش

بازگشت بیش از ۱۰ هزار کارگاه و کارخانه تولیدی تعطیل و نیمه‌تعطیل، آماری نیست که بتوان ساده از کنار آن گذشت.

احیای این حجم از کارگاه‌های تولیدی راکد، زمینه راه‌اندازی مجدد همه ظرفیت‌های مولد و بازگشت کارگران به کار را در سال‌های اخیر فراهم کرد.

آغاز پروژه‌های جدید حوزه تولید و به کارگیری کارگران در کارگاه‌های تازه تأسیس با هدف رونق تولید و خلق گسترده اشتغال و در بخش دیگر، راه‌اندازی مجدد کارخانه‌های تعطیل و نیمه‌تعطیل هرکدام فوایدی برای بازار کسب وکار به همراه دارند. نکته اما در مقایسه مزایای دورویگرد تولیدمحور و اشتغال‌محور است.

هزینه بالای آغاز مطالعات مربوط به فعالیت‌های مولد و تأسیس کارگاه‌های تولیدی، طی کردن فرایند راه‌اندازی، کسب سهم از بازار مصرف و دیگر چالش‌های کارگاه‌های جدید برای ماندگاری در بازار کار، برخی از مشکلات تأسیس کارگاه‌های جدید محسوب می‌شود.

از سوی دیگر احیای کارخانه‌های راکد، مزایایی نظیر هزینه کمتر راه‌اندازی، استفاده از ماهیت و سوابق تجاری و تولیدی کارگاه برای حضور مجدد در بازار کار، بازگشت به کار کارگران، مشخص بودن نوع فعالیت، استفاده از ابزار، دستگاه‌ها و بسترهای تولیدی موجود و بسیاری موارد دیگر را شامل می‌شود که باید در مقایسه با تأسیس کارگاه جدید مورد سنجش قرار گیرد.

اشتغال جوانان از مسیر راه‌اندازی مجدد کارگاه‌ها

اولیا علی بیگی، رئیس هیئت‌مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور در گفت‌وگو با «آینه نو»، راه‌اندازی مجدد کارگاه‌های راکد را موضوع کلیدی در ارتباط با این اقدام برشمرد و آن را سریع‌ترین راهکار خلق اشتغال و کاهش بیکاری برشمرد.

او همچنین مسئله اشتغال‌زایی را یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های مشترک متولیان این حوزه و کارجویان به‌ویژه دانش‌آموختگان دانشگاهی برشمرد و گفت: «علاوه بر اینکه اشتغال‌زایی موضوعی فرادستگاهی شناخته می‌شود، استفاده از همه ظرفیت‌ها، نظیر بازگشت کارگاه‌های راکد به چرخه تولید، تحقق این مهم را تسهیل می‌کند.»

توسعه اشتغال صنایع در گرو احیای ظرفیت مولد

آخرین داده‌های آماری حاکی از سهم حدود ۴۱ درصدی بخش صنعت از مجموع اشتغال کشور است. به این واسطه اشتغال تولیدی یکی از بسترهای اساسی فعالیت نیروی کار کشور محسوب می‌شود. بررسی‌ها همچنین نشان می‌دهد که طی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۲ سهم بخش صنعت از مجموع اشتغال، روندی افزایشی داشته است. در عین حال بیشترین کاهش اشتغال این بخش مربوط به سال ۱۳۹۱ و بیشترین رشد آن مربوط به سال ۱۳۸۶ برآورد می‌شود. طبق اطلاعات موجود، سال گذشته بالغ بر ۸ میلیون و ۲۵۱ هزار شاغل در بخش صنعت فعالیت کردند. بر این اساس، تعداد شاغلان صنعتی در سال گذشته در مقایسه با سال قبل از آن ۳.۲ درصد، در قیاس با سال ۱۴۰۰، ۴۰.۶ درصد و در مقایسه با سال ۱۳۹۹ به میزان ۴.۴ درصد افزایش داشته است.

گزارش

پوشش بیش از یک میلیون و ۳۰۰ هزار کارگاه و بالغ بر ۱۶ میلیون و ۳۰۰ هزار بیمه‌شده شامل عمده شاغلان حوزه کاری، به‌خوبی بیانگر نقش سازمان تأمین اجتماعی در مناسبات حوزه کار و تأثیرپذیری این نهاد بزرگ بیمه اجتماعی از فضای کار و تولید است.

آمارها حاکی از تأمین بیش از ۸۶ درصد منابع مورد نیاز تأمین اجتماعی از طریق وصول حق بیمه توسط جمعیت بیمه‌شدگان اصلی تحت پوشش این سازمان است. سهم بالای کارگران شاغل در فضای کسب‌وکار کشور از مجموع بیمه‌شدگان و به تبع، تأمین بخش قابل توجهی از منابع سازمان تأمین اجتماعی به‌واسطه بیمه‌پردازی آنان، اهمیت ارتباطی اشتغال نیروی کار در کارگاه‌های تحت پوشش تأمین اجتماعی را نشان می‌دهد.

خروجی داده‌های اشاره‌شده، بیانگر اهمیت همه کارگاه‌ها و کارخانه‌های با ظرفیت تولید اشتغال برای

اشتغال و توسعه ظرفیت‌های مغفول مولد

رونق تولید با احیای کارگاه‌های تولیدی محقق شد

نقش آفرینی در حل چالش‌های مذکور، حتماً زمینه ادامه فعالیت آنان را مهیا می‌کند. به این واسطه آن‌ها شناسایی مشکلات را در صدر اولویت‌های اقدام جهت زنده کردن مجدد بنگاه‌های مذکور می‌دانند.

علیرضا حیدری در این ارتباط گفت: «در حال حاضر کندی جریان حرکت اقتصاد به‌ویژه در حوزه تولید، چالش‌هایی برای بنگاه‌های مولد ایجاد کرده است. در این وضعیت برخی واحدهای تولیدی به دلیل مطابقت با شرایط گذشته مشکلاتی را تجربه می‌کنند. جدای از حمایت‌های مالی، گاه یک استمهال یا تأخیر در اجرای برخی تعهدات قانونی و تسهیلاتی نظیر وام‌های بانکی می‌تواند مشکل کارگاه‌ها را برای بازگشت به چرخه تولید حل کند یا دست کم کاهش دهد. وقتی صحبت از حفظ اشتغال موجود به میان می‌آید باید آگاه باشیم که عوامل با سابقه تشکیل‌دهنده تولید در کشور شامل نیروی انسانی، ماشین‌آلات، بازار، مدیریت و فناوری هستند. بنا بر شرایط اقتصادی ممکن است یکی از عوامل مورد نیاز برای رونق و استمرار تولید در حوزه فعالیت کارگاه‌ها، دارای نقصان باشد.»

این کارشناس حوزه کار و تولید در ادامه بیان کرد: «زمانی که یک کارگاه به هر دلیلی با وجود دارا بودن عوامل ساختاری تولید با مشکل نقدینگی برای تأمین مواد اولیه به‌ویژه در حوزه واردات روبرو است، توقف تولید به دلیل عوامل قهری خارج از اراده کارفرما است و در واقع عامل توقف تولید یک متغیر برون‌زا محسوب شده و ارتباطی به ساختار فعالیت و مدیریت کارگاه مذکور ندارد.» این فعال اقتصادی در ادامه توضیح داد: «هم‌زمان با شکل‌گیری تفکر سرمایه‌گذاری جدید و تولید، فراهم کردن مجموعه عواملی مانند سرمایه منجر به شکل‌گیری تولید و تبدیل به فعالیت تولیدی می‌شود. استمرار این روند فکری و رویکرد اقتصادی و تولیدی نیز زمینه بازگشت ظرفیت تولیدی و نیروی انسانی به ریل‌گذاری مربوطه را در پی دارد.»

سهم‌گیری کارگاه‌های احیاشده از بازار کار

حیدری در ادامه اضافه کرد: «با محقق شدن اقدامات مذکور، کارگاه‌های اقتصادی احیاشده، در آینده سهم خاصی از بازار را در اختیار می‌گیرند. این در حالی است که بسیاری از کارگاه‌های موجود و فعال در کشور، بخش قابل توجهی از این مسائل را برای خود حل‌شده تلقی می‌کنند.» چالش‌های اقتصادی، مشکلات موجود در حوزه کسب‌وکار و تولید و عدم تعادل در برخی شاخص‌های عمده بازار کار نظیر بیکاری و اشتغال را باید موضوعی فرادستگاهی و متوجه بخش دولتی، خصوصی و تعاونی دانست. با توجه به این مهم، حل چالش‌های این حوزه در راستای رونق تولید، ایجاد اشتغال گسترده و جذب نیروی کار دانش‌آموخته نیز با استفاده از ظرفیت کامل همه بخش‌ها امکان‌پذیر است. تعطیلی بسیاری از واحدهای کارگاهی به هر دلیلی که در گذشته اتفاق افتاده، امروز آسیب‌هایی به فضای کار، تولید و اشتغال وارد کرده است. برای برطرف کردن این موارد باید شاهد بازگشت آن‌ها به فضای کار و مشاهده مزایای این اقدام باشیم.

در مجموع اشتغال کارگران بیکار شده ناشی از تعطیلی کارگاه، رونق تولید در فضای کارگاهی، توسعه فعالیت‌های حوزه صنعت، جذب سرمایه و راه‌اندازی سریع کارگاه، کاهش هزینه اشتغال‌زایی دولت و بخش خصوصی از مزایای راه‌اندازی مجدد بنگاه‌های تعطیل شده می‌شود. به همین خاطر می‌توان ارتباط تعریف‌شده‌ای بین بهبود آمارهای اشتغال و بیکاری و احیای مجدد کارگاه‌های تولیدی متصور بود.



لزوم شناخت عوامل چالش‌زا در بازار

این کارشناس حوزه بازار کار اضافه کرد: «در گذشته بدون مبنای قراردادن کارهای کارشناسی، شناخت عوامل بازار و عرضه و تقاضای کالاها ی تولیدی در بازار مصرف، ایجاد و تأسیس کارگاه‌هایی با کارکرد یکسان در کشور و یک منطقه در دستور کار قرار می‌گرفت. در حال حاضر، تعطیلی بسیاری از کارگاه‌های مذکور و بیکاری افراد شاغل در آن‌ها نتیجه فرایند اشاره شده است.» علی بیگی با بیان اینکه اهمیت هم‌زمانی ارائه طرح اقتصادی و توجیه اقتصادی، در راه‌اندازی کارگاه‌های تولیدی دارای اهمیت بالایی است، توضیح داد: «اساس این مهم باید بر بازاربایی و سنجش نیاز جامعه به کالا یا خدمات تولیدی استوار باشد.»

او همچنین بیان کرد: «کارگاه‌های تولیدی در راستای ایجاد بسترهای مناسب برای ارائه محصولات تولیدی در بازار مصرف داخلی و خارجی، نیازمند حمایت‌های مختلف دولت در بخش‌های تسهیلاتی، قوانین و مقررات و تسهیل دریافت مجوزهای کسب‌وکارند.»

عامل انگیزشی به نام صرفه اقتصادی

صرفه اقتصادی بازگشت کارگاه‌های راکد و راه‌اندازی مجدد آن‌ها در راستای استفاده از ظرفیت‌های تعریف شده و مقایسه این فرایند با تأسیس کارگاه‌های جدید به جای این اقدام، موضوعی است که دولت، بخش خصوصی، صاحبان صنایع و سرمایه‌گذاران حوزه تولیدی را برای راه‌اندازی مجدد کارگاه‌های تعطیل و نیمه‌تعطیل ترغیب می‌کند. علیرضا حیدری، کارشناس حوزه کار در این ارتباط به «آینه نو» گفت: «کارگاه‌هایی که پیش از این فعال بوده و همه عوامل تولید را در اختیار داشته و با ادامه فعالیت کارگران، سودآوری برای آن مجموعه تعریف و بنا به دلایلی تعطیلی موقت داشته است، در این شرایط مقرون به صرفه است که پس از پایش‌های لازم به ریل تولید بازگردد. در صورت حل مشکلات بنگاه‌های اقتصادی، این کارگاه‌ها به مسیر تولید ادامه داده و در بلندمدت اقدام به حل مشکلات عمده خواهند کرد. بسیاری از این کارگاه‌ها و فعالان اقتصادی به واسطه برخی حمایت‌های قانونی و تسهیل‌گری، توان ادامه فعالیت اقتصادی مولد را خواهند داشت.»

تسهیل‌گری در مسیر تولید

کارشناسان حوزه اقتصاد تولید و کار معتقدند که با بررسی و شناسایی دلایل اختلال در حرکت کارگاه‌های مولد و

علی بیگی با تأکید بر اهمیت اشتغال‌زایی بخش مولد صنعت، بیان کرد: «طبیعتاً یک نهاد یا وزارتخانه، مسئول و متولی ایجاد شغل نیست و این مهم در قالب سیاست‌گذاری و تعامل بین دستگاهی قابلیت اجرایی دارد. البته ایجاد اشتغال گسترده مورد نیاز بازار کار به‌ویژه در حوزه تولید صنعتی باید با بهره‌گیری از ظرفیت‌های بخش خصوصی باشد. رئیس هیئت‌مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار ادامه داد: «هدف‌گذاری استفاده از ظرفیت بنگاه‌های غیرفعال با بهره‌مندی از امکانات موجود در این کارگاه‌ها و راه‌اندازی مجدد آن‌ها، زمینه اشتغال‌زایی را فراهم خواهد کرد. با توجه به سرمایه‌گذاری در این کارگاه‌ها و زیرساخت‌های موجود، بازگشت این کارخانجات مولد به چرخه تولید و اشتغال ناشی از آن، دور از دسترس نیست. او در ادامه با اشاره به دلایل رکود برخی از کارگاه‌ها نظیر نوسانات اقتصادی، احیای این مجموعه‌های مولد را بستری برای اشتغال دانست و توضیح داد: «مزیت این کار دسترسی راحت‌تر به اشتغال و کمک به بهبود شاخص اشتغال و مشارکت اقتصادی است.»

این فعال حوزه کار، نقدینگی را از دیگر چالش‌های کارگاه‌های تعطیل برشمرد و بر حمایت دولت، سیستم بانکی و بخش خصوصی در راستای برطرف کردن کارخانه‌های مذکور تأکید کرد و افزود: «کمک‌های حوزه نقدینگی و تصمیمات کلان در راه‌اندازی مجدد کارگاه‌های راکد به شرط صرف شدن در مسیر تولید و اشتغال‌زایی، مرث خواهد بود.»

دلایل رکود برخی بنگاه‌های تولیدی

رئیس هیئت‌مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار، اولویت راه‌اندازی مجدد کارگاه‌ها را، بررسی دلایل توقف فعالیت آن‌ها برشمرد و یادآور شد: «رفع چالش‌های کارگاه‌ها و بازگشت آن‌ها به چرخه تولید، باید در دستور کار باشد. اقدامات اشاره شده علاوه بر گسترش فضای در اختیار تولید، زمینه اشتغال دانش‌آموختگان را فراهم خواهد کرد.»

او تأکید کرد: «با توجه به بیکاری بخش قابل توجهی از دانش‌آموختگان دانشگاهی و نیاز بازار کار به نیروی کار دانش‌آموخته ماهر، برنامه‌ریزی بازگشت کارخانه‌های راکد به خط تولید، یکی از راهکارهای اساسی و کارآمد اشتغال‌زایی است که موجب اشتغال فارغ‌التحصیلان می‌شود.»

سازمان تأمین اجتماعی است. در واقع استفاده از تمام ظرفیت بخش تولید، توسعه یا احیای اشتغال در آن‌ها با پایداری منابع سازمان تأمین اجتماعی به‌عنوان بزرگ‌ترین صندوق بیمه اجتماعی کشور ارتباط مستقیم دارد.

در این بین موضوع بازگشت کارگاه‌ها و کارخانه‌های راکد، تعطیل و نیمه‌تعطیل به چرخه تولید در سال‌های اخیر به‌صورت ویژه مورد توجه قرار گرفته است. این امر علاوه بر تأثیرگذاری بر بازار کار و رونق تولید، زمینه توسعه بیمه‌ای و افزایش هم‌زمان کارگاه‌ها و افراد تحت پوشش بیمه‌پرداز و در عین حال رشد وصول حق بیمه و البته پایداری بیشتر سازمان تأمین اجتماعی را ایجاد می‌کند.

بر اساس آخرین داده‌های آماری مربوط به هدف‌گذاری سیاست بازگشت کارگاه‌ها به چرخه تولید یا احیای کارخانه‌های راکد، در سه سال گذشته بیش از ۱۰ هزار کارگاه تعطیل یا نیمه‌تعطیل به جمع ظرفیت مولد کشور اضافه شده و طبیعتاً بازگشت کارگران بیکار به این

مزیت‌های احیای کارگاه‌های راکد برای سازمان تأمین اجتماعی

شده‌اند. در این وضعیت تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متقابل بخش مولد اقتصاد و تولید و سازمان تأمین اجتماعی نسبت به یکدیگر بیشتر مشخص می‌شود. تأثیرگذاری اجرای برنامه‌های کلانی نظیر بازگشت بسترهای تولیدی راکد به ظرفیت‌های فعال مولد کشور در تحقق تعمیم بیمه‌های اجتماعی به گروه‌های مختلف جمعیتی را نباید نادیده گرفت؛ به‌عبارتی بازگشت حجم بالایی از کارگاه‌های راکد و اشتغال مجدد نیروی کار شاغل در آن‌ها در راستای تحقق اصل ۲۹ قانون اساسی و ماده یک قانون تأمین اجتماعی جهت تعمیم و توسعه پوشش بیمه‌ای در بین همه اقشار جامعه انجام می‌گیرد. در نهایت می‌توان این گونه برداشت کرد که انتفاع احیای کارگاه‌های تعطیل و نیمه‌تعطیل و افزایش آن‌ها به ظرفیت بخش مولد کشور متوجه فضای تولید، کارفرمایان، سرمایه‌گذاران، نیروی کار و سازمان تأمین اجتماعی خواهد بود.